

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

استقلال قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه (مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه)

۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

استقلال قضایی پیش شرط دادرسی عادلانه (مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه)
احمد علی نژاد و همکار

یاسر روستایی حسین آبادی^۱

احمد علی نژاد^{۲*}

۱. گروه حقوق، واحد میناب، دانشگاه آزاد اسلامی، میناب، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، سمنان، ایران.

چکیده

استقلال قضایی به معنای عدم تأثیرپذیری دستگاه قضایی و به ویژه قاضی از عوامل غیرحقوقی و منع مداخله صاحبان قدرت و ثروت در فرآیند رسیدگی است. از آنجا که رعایت این اصل پیش شرط اجرای عدالت، حفاظت از حقوق شهروندان و تأمین آزادی‌های مشروع آنان دانسته شده، رعایت آن مورد اجماع تمام نظام‌های حقوقی بوده، هرچند سازوکارهای تضمین متفاوتی به کار گرفته شده است. در ایران استقلال قوه قضاییه و قاضی در قانون اساسی پیش‌بینی شده و این قانون استقلال این قوه را تضمین نموده است؛ ولی در کشور فرانسه، رئیس‌جمهور این کشور به همراه شورای عالی قضایی، تضمین استقلال نهاد قضایی را بر عهده دارند. از بررسی مکانیزم مختار این دو کشور به نظر می‌رسد که استقلال قضایی در هر دو کشور ایران و فرانسه به صورت نسبی تضمین شده است که در برخی موارد با اصل استقلال قوا در تضاد است.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی، دادرسی عادلانه، قضات، نظرات تفسیری شورای نگهبان.

بشر متمدن برای رسیدگی به دعاوی میان افراد، نهادی به نام نهاد قضایی را تشکیل داد تا بتواند از این طریق عدالت نقض شده را جبران کند و آن را حتی المقدور اعاده نماید. برای این منظور و علاوه بر ساختار مادی نیاز به اصول ماهوی نیز انکارناپذیر بوده است. استقلال نهاد قضایی برای دادرسی عادلانه ضروری است. این بدان معناست که قضات هر پرونده در تصمیم‌گیری موضوعات، بی‌طرفانه و بر اساس حقایق پرونده و بر اساس قانون، بدون هیچ‌گونه دخالت، فشار یا نفوذ ناروا از هر بخش از حکومت یا سایر بخش‌ها آزاد باشند و هم‌چنین انتخاب قضات بر اساس تخصص حقوقی‌شان باشد. (طه و اشرافی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

استقلال قضایی به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اول استقلال سازمان قضایی و دوم استقلال در تصمیم‌گیری قضایی (استقلال قضات).

مهم‌ترین بُعد استقلال سازمانی، بعد ساختاری آن است، به نحوی که اعمال نفوذ و واردکردن فشار بر قضات حتی در درون قوه قضاییه نیز امکان‌پذیر نباشد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶). شایان ذکر است منظور از اعمال نفوذ، مداخله در تصمیم‌گیری و رأی دادگاه است به صورتی که دادگاه نتواند بر اساس ادله موجود و قانون رأی خود را صادر نماید. صدور آرای وحدت رویه از دیوان عالی کشور و نقض رأی دادگاه‌های بدوی در دادگاه‌های بالاتر اعمال نفوذ و مداخله در دادگاه‌های بدوی محسوب نمی‌شود، زیرا قانون‌گذار این موارد را برای جلوگیری از تضييع حقوق افراد پیش‌بینی نموده است. در بُعد استقلال قضایی نیز، قضات دادگاه باید تنها بر طبق قرائن موجود و قانون حکم خود را صادر نمایند و از در نظر گرفتن هرگونه ملاحظه‌ی غیرحقوقی که سبب تضييع حق خودداری نماید.

قانون اساسی کشورها در راستای جلوگیری از هرگونه مداخله و تأثیرپذیری این نهاد از سایر نهادها و اشخاص، سازوکاری را معین نموده‌اند. بنیادی‌ترین ابزار برآوردن این هدف، اصرار بر تفکیک قواست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به این مهم اشاره دارد. در اصل ۱۵۶ اعلام شده است که قوه قضاییه قوه‌ای مستقل است یا در قانون اساسی کشور فرانسه اعلام شده که رئیس‌جمهور استقلال دستگاه قضایی را تضمین می‌نماید.^۱

نظرات شورای نگهبان پیرامون اصول قانون اساسی (در بررسی قوانین و تطبیق آن با قانون اساسی)، به منزله‌ی روح اصول قانون اساسی می‌باشد؛ پس می‌توان با بررسی این

نظرات، به مقصود قانون‌گذار پی برد و با توجه به وجود شش فقیه در این شورا، حفظ اندیشه اسلامی و دینی را در تفاسیر اصول قانون اساسی شاهد بود.

سؤال اصلی تحقیق این است که استقلال قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه تضمین شده است؟ ضرورت پاسخگویی به این سؤال و این تحقیق این است که علاوه بر تبیین موضوع باعث می‌شود مرجع تضمین‌کننده استقلال قوه قضاییه مشخص شود. هم‌چنین با بررسی نظام حقوقی فرانسه می‌توان تا حدود زیادی محاسن و معایب این تضمینات را نیز مشخص کرد.

ما در این تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ایم. در خصوص استقلال قوه قضاییه مطالب پراکنده زیادی وجود دارد اما ما در این تحقیق علاوه بر تجمیع این مطالب، تفاسیر شورای نگهبان به عنوان حافظان اندیشه اسلامی در خصوص موضوع مورد بحث را نیز مورد بررسی و تبیین قرار داده‌ایم.

۱. مفهوم استقلال قضایی

«استقلال قضایی» یک ترکیب اضافی، مرکب از دو واژه عربی «استقلال» و «قضایی» است. در زبان فارسی به معنای «آزادی داشتن، به آزادی کار کردن، مستقل بودن و بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن آمده است.» (عمید، ۱۳۸۶، ذیل واژه‌ی استقلال قضایی)

قانون اساسی، اجرای عدالت و پشتیبانی از حقوق شهروندان را به عهده‌ی قوه قضاییه نهاده است. تردیدی وجود ندارد که در بطن مفهوم عدالت، مفهوم بی‌طرفی قرار دارد و تنها یک قوه قضاییه بی‌طرف می‌تواند دادگستر و دادبان باشد. شرط بی‌طرفی استقلال است و استقلال قضایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تضمین سلامت و شرافت قضا مفهومی است که وضعیت مطلوب قوه قضاییه را بیان می‌کند و این معنا را در بر می‌گیرد که قضاوت و قوه قضاییه به‌عنوان یک کل، باید آزاد از هر گونه اعمال نفوذ و تأثیرپذیری عمل کنند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۴). حساسیت موقعیت قوه قضاییه چنان استقلالی را می‌طلبد که با استقلال سایر دستگاه‌های عمومی تفاوت کلی و اصولی دارد و هم‌چنین یکی از ارکان استقلال ملت می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۳).

اگر استقلال در قضا و داوری نسبت به مجموعه قضاوت، مسئولان و مدیران قضایی یک حکومت مطرح شود «استقلال قوه قضاییه» نامیده می‌شود و اگر در مورد هر کدام از قضاوت و شخص قاضی اعم از حکومتی و غیرحکومتی مطرح شود آن را «استقلال

قاضی» می‌گویند. بنابراین تعریف، اصل و منشأ استقلال قوه قضاییه همان استقلال قضات و قاضی است که جزء به کل منتقل می‌شود (قضایی، ۱۳۹۳: ۸۰).

استقلال قوه قضاییه آنرا مستلزم برخورداری از صلاحیت انحصاری نسبت به موضوعات دارای ماهیت قضایی می‌کند، این بدان معناست که تصمیمات دادگاه‌های قضایی نباید توسط مقام غیرقضایی به ضرر یکی از طرفین تغییر یابد.

۲. مبانی و دلایل استقلال قضایی

۲-۱. قرآن و روایات و استقلال قضایی:

بر اساس آموزه‌های اسلامی، قضاوت اولاً و بالذات شأنی از شئون پروردگار است. خداوند متعال در قرآن کریم به «خیرالحاکمین» و «احکم الحاکمین» معروف می‌باشد. پیامبران الهی بنابر جانشینی خداوند متصدی امر قضا می‌باشند و خداوند در قرآن به آن‌ها امر نموده که بین مردم با حق داوری نمایند: «فاحکم بین الناس بالحق» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۲).

اهمیت قضاوت در اسلام سبب شده تا در آیات و احادیث اشارات و توصیه‌های فراوانی در خصوص تبیین جایگاه قضاوت و تلاش برای توسعه عدل و قسط ارائه شود (امیری، ۱۳۹۲: ۹۳). مهم‌ترین امر در استقلال قضایی، روایتی از حضرت علی (علیه‌السلام) نقل شده که می‌فرمایند: «اعطاء كل ذي حق حقه» که حضرت امیر در تفسیر این روایت می‌فرماید عدالت به معنای آن است که حق، به حق‌دار برسد. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «الْأَنْسُ كَأَنْسَانِ الْمُسْتُ» مردم مثل دندان‌های شانه هستند و همه با هم برابرند، یا فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ» یعنی هیچ ملاحظه‌ی شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدیمی بر غیر مبنای فضیلت و تقوا و عمل و لیاقت نباید در کار باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۵۳ و ۲۵۴).

امام صادق (ع) در خصوص شرافت و جایگاه دادرسان می‌فرماید: «یدالله فوق رأس الحاکم ترفرف بالرحمة فاذا حاف وکله الله الی نفسه» چون منصب قضاوت مسئولیتی بزرگ و دارای شرایط سخت می‌باشد و دادرسان باید کاملاً مطمئن باشند که تحت تأثیر امیال و خواهش‌های نفسانی واقع نشود به همین خاطر در صدر اسلام حکم کردن بین مردمان وظیفه امام و برگزیدگان از طرف ایشان بوده است (حر عاملی، ۱۴۰۱: ۱۶۷). تبعیت نکردن از امیال و خواهش‌های نفسانی مهم‌ترین مقوله برای حفظ استقلال قاضی است.

در قرآن کریم در برخی آیات به استقلال قضایی اشاره شده که بیانگر اهمیت دادن به این اصل حیاتی است. چنانکه خداوند قضات را مورد خطاب قرار می‌دهد و در سوره نساء می‌فرماید: ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا یعنی موافق حکم خدا گواهی دهید. هر چند بر ضرر پدر و مادر و خویشان شما باشد، برای هر کس شهادت می‌دهید چه فقیر چه غنی شما نباید در حکم و شهادت طرفداری از هیچ‌کدام کرده و از حق عدول نمایید که خداوند به رعایت حقوق آن‌ها اولی است. پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت را نگه دارید و اگر زبان را در شهادت طوری بگردانید و یا از بیان حق خودداری کنید خداوند به هر چه می‌کنید آگاه است» (نساء: ۱۳۵).

در مجموع بحث استقلال قاضی در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است چرا که این امر با مقوله عدالت اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد.

۲-۲. ایده حقوق بشر و استقلال قضایی:

قوه قضاییه تنها با نوع بشر سروکار دارد، چه شخص حقیقی یا حقوقی، پس این قوه بیشترین دقت خود را باید در نحوه اجرای صحیح عدالت به کار ببرد. این مهم بیشتر در موارد جزایی و کیفری نمایان می‌شود، زیرا مجازات‌های آن به جسم و روح انسان آسیب جدی می‌رساند و یا حتی منجر به مرگ شخص می‌شود که امری جبران‌ناپذیر است؛ پس دستگاه قضایی باید با قدرت تمام در مقابل دخالت سایرین بایستد و حقوق بشری را احیا نماید.

مهم‌ترین وظیفه‌ی قوه قضاییه حمایت از شهروندان در مقابل زیاده‌خواهی افراد است؛ زیرا انسان زمانی به جرم و خیانت دست می‌زند که احساس طمع و زیاده‌خواهی کند و در این زیاده‌خواهی، حقوق افراد ضایع می‌شود و تنها ملجأ این افراد دستگاه قضایی می‌باشد. اگر دستگاه قضا با این افراد زیاده‌خواه مرتبط باشد تنها اتفاقی که می‌افتد این است که حقوق افراد بی‌گناه ضایع می‌گردد و اعتماد مردم از دستگاه قضایی از بین می‌رود.

از آنجا که وظیفه قضات فصل دعاوی بین اصحاب دعوا است، جایگاه آنان در جامعه اعتبار خاصی دارد، زیرا حکمی که آنان صادر می‌نمایند به نفع یا ضرر برخی از افراد می‌باشد و اقتضا دارد که قضات مورد اعتماد شهروندان باشند تا ضمن آسودگی خاطر جهت حفظ حقوق خود و اجرای عدالت، دستگاه قضایی را تنها ملجأ خویش بدانند. پس این مهم زمانی رخ می‌دهد که قضات از جانبداری خاص از یکی از اصحاب دعوا بپرهیزند و تنها قانون و ادله موجود در پرونده را ملاک قرار دهد (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۲۹).

لذا دستگاه قضایی به عنوان متولی اصلی اقامه عدل، گرچه خود بخشی از حکومت است، باید پناهگاه شهروندان در مقابل زیاده خواهی اصحاب قدرت و متعرضین به قانون باشد و مانع سوءاستفاده از قدرت توسط سایر نهادهای حکومتی و غیرحکومتی گردد و از حقوق شهروندان حمایت کند.

حق محاکمه در دادگاهی مستقل و بی طرف آن قدر اساسی است که کمیته حقوق بشر چنین اظهارنظر کرده «آن حقی مطلق است که استثنا بردار نیست.» طبق کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، تضمینات اساسی قضایی لازم برای حمایت از حق برخورداری از قوه قضاییه صلاحیتدار و بی طرف حتی در شرایط اضطراری نیز نباید معلق شود. (طه و اشراقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

۲-۳. حقوق بشر اسلامی و استقلال قضایی

از سوی سازمان کنفرانس اسلامی سه سند در رابطه با حقوق بشر منتشر شده است. سند سوم «اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام» نام دارد که در سال ۱۹۹۰ در نوزدهمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در قاهره به تصویب رسید و در واقع جدیدترین و شاید بتوان گفت رسمی ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. (مهرپور، ۱۳۹۰: ۳۴۴)

این اعلامیه در ماده ۱۹ در بند «ه» مقرر میدارد که «متهم بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد.»

از آنجا که اولین تضمین بنیادین دادرسی عادلانه مورد اشاره ی فوق این است که نباید تصمیمات قضایی توسط نهادهای سیاسی اتخاذ شود، بلکه باید توسط دادگاهی مستقل، صلاحیتدار و بی طرف صورت پذیرد، به نظر می رسد که استقلال قضایی مورد تأکید این اعلامیه و از تکالیف دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تضمین حق بر دسترسی به دادرسی عادلانه است.

۳. استقلال قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این مبحث استقلال قوه قضاییه در قانون اساسی بررسی می شود و نظرات شورای نگهبان در خصوص اصول مرتبط تبیین خواهد شد. هم چنین در ادامه استقلال نهاد قضایی در کشور فرانسه نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

قانون اساسی ایران برای استقلال قوه قضاییه از لحاظ سازمانی، جایگاه خاصی را در نظر

گرفته است و علاوه بر تأکید بر استقلال ناشی از تفکیک قوا (اصل ۵۷)، استقلال سازمانی قضایی را نیز مدنظر داشته و در اصل ۱۵۶ بر آن تأکید کرده و با درک موقعیت خطیر و مراتب خطر در قوه قضاییه، تضمین‌هایی را برای آن پیش‌بینی و به این قوه استقلال سازمانی شایسته‌ای اعطا کرده است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۰).

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی ایران، قوای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که این قوا مستقل از یکدیگر هستند و هم‌چنین طبق اصل ۱۵۶ قوه قضاییه قوه‌ای مستقل می‌باشد. اصل ۱۶۶ با تکلیف قضات به صدور احکام مستدل بر اساس قانون، امر به استقلال نموده و آن‌ها را از هرگونه تأثیرپذیری غیرقانونی برحذر داشته است. برای حمایت قاضی در این مسیر نیز در اصل ۱۶۴ در مورد قضات محدودیت جابجایی و عزل و نصب را مقرر داشته است.

هر چند قانون اساسی ایران استقلال قوه قضاییه را تأکید می‌کند، اما به شفافیت مشخص نمی‌کند که چه کسی تضمین‌کننده‌ی این استقلال می‌باشد. از فحوای متن قانون اساسی به طور کلی این‌طور برداشت می‌شود که سه جایگاه ضامن استقلال این قوه می‌باشند: الف) رهبری: طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران زیر نظر رهبری می‌باشند و هم‌چنین طبق بند ۷ اصل ۱۱۰، یکی از وظایف رهبر حل اختلاف قوای سه‌گانه و تنظیم روابط آن‌ها است و هم‌چنین طبق اصل ۱۵۷، رهبر، رئیس قوه قضاییه را انتخاب می‌کند؛ پس می‌توان گفت رهبری ضامن استقلال قوه قضاییه است؛ چراکه اولاً رهبری جایگاهی فرا قوه‌ای دارد، ثانیاً رهبر می‌تواند با داشتن چنین جایگاهی مانع از نفوذ سایر قوا بر قوه قضاییه بشود و ثالثاً ایشان با تعیین رئیسی مقتدر، می‌تواند قوه قضاییه را از نفوذ سایر قوا تا حد امکان مصون کند.

ب) رئیس قوه قضاییه: طبق اصل ۱۵۷، رئیس قوه قضاییه عالی‌ترین مقام قوه قضاییه محسوب می‌شود و هم‌چنین طبق اصل ۱۵۶، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که عهده‌دار وظایف قوه قضاییه است که در این اصل مشخص شده است و طبق اصل ۱۵۷، رئیس این قوه مسئول انجام چنین وظایفی است پس می‌توان گفت او ضامن استقلال قوه قضاییه است.

ج) رئیس جمهور: طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی با رئیس جمهور است پس شاید بتوان گفت که مسئول استقلال قوه قضاییه، رئیس جمهور است؛ چراکه استقلال قوه قضاییه در اصول قانون اساسی پیش‌بینی شده و مسئول اجرای این اصول نیز رئیس جمهور است.

سؤالی که حائز اهمیت است این است که آیا تأمین استقلال قوه قضاییه توسط رهبری، سبب مخدوش شدن استقلال قوه قضاییه می‌شود؟ و آیا تأمین استقلال قوه قضاییه توسط رئیس‌جمهور با اصل استقلال قوا در تعارض نیست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفته شود از آنجایی که جایگاه ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران یک جایگاه و نهاد فراقوه‌ای است و شخصی که در این جایگاه قرار می‌گیرد شخص فقیه و اسلام‌شناسی است که علاوه بر این که طبق تعالیم اسلام، لزوم و اهمیت استقلال دستگاه قضا از عوامل مختلف را به خوبی می‌داند، از طرفی هم مُزین به ملکه عدالت^۲ است و نمی‌تواند نظر شخصی خود را برای اعمال حق خود مناط اعتبار قرار دهد؛ بلکه بر اساس ضوابط و مقررات شرعی و قانون اقدام می‌کند، پس با این شرایط رهبری، استقلال قوه قضاییه مخدوش نمی‌شود. هم‌چنین تأمین استقلال قوه قضاییه برای جلوگیری از نفوذ قدرت‌ها در تشکیلات و مهم‌ترین رکن آن یعنی قاضی است؛ پس تأمین استقلال توسط یک جایگاه فراقوه‌ای که مبتنی بر عدالت است قطعاً استقلال این قوه را مخدوش نمی‌کند؛ بلکه سدّ محکمی است برای زیاده‌خواهی صاحبان قدرت.

اما در خصوص ریاست‌جمهوری باید گفته شود که با توجه به ساختار جمهوری اسلامی ایران، دخالت این جایگاه حتی در تأمین استقلال قوه قضاییه هم ضرری بیشتر از منفعت آن دارد و قطعاً باعث مخدوش شدن اصل استقلال قوا می‌شود که اولین ثمره‌ی آن از بین رفتن استقلال قوه قضاییه در تصمیم‌گیری‌ها خواهد بود. چه بسا در بحث بودجه قوه قضاییه چنین مسائلی را شاهد هستیم که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهیم نمود. اما به نظر می‌رسد از آنجایی که قانون اساسی کسی را به طور مستقیم مسئول تضمین استقلال قوه قضاییه قرار نداده است، خود قانون اساسی تضمین‌کننده‌ی آن می‌باشد؛ پس قانون اساسی طبق اصول ۵۷ و ۱۵۶ استقلال قوه قضاییه را تضمین می‌نماید و طبق اصل ۹۱ قانون اساسی این شورای نگهبان است که مسئول صیانت از قانون اساسی می‌باشد پس می‌توان گفت قانون اساسی علاوه بر تضمین استقلال قوه قضاییه، سازوکاری را نیز برای تأمین این استقلال پیش‌بینی کرده است.

شورای نگهبان در خصوص طرح مسئولیت قوه قضاییه مصوب ۱۳۶۶/۴/۱۰ مجلس شورای اسلامی چنین اظهار می‌نماید که نظر به اینکه قانون اساسی در مقام بیان حدود و اختیارات مجلس شورای اسلامی صرفاً هیئت دولت و وزرا را در مقابل مجلس مسئول دانسته و رأی اعتماد و طرح سؤال را فقط در مورد نامبردگان برای مجلس قائل شده است؛ بنابراین با توجه به اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی و استقلال قوه قضاییه، مسئولیت

این قوه در مقابل مجلس مغایر قانون اساسی است (فتحی، ۱۳۹۴: ۱۰ و ۱۱). با توجه به این نظر، استقلال قوه قضاییه در مقابل مجلس حفظ خواهد شد؛ چرا که در غیر این صورت نمایندگان می‌توانند به راحتی در تمام تصمیم‌گیری‌های جزئی قوه قضاییه نیز دخالت نمایند.

هم‌چنین شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ چنین اظهار می‌نماید که منوط نمودن اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد.^۳ به عبارت دیگر شورای نگهبان در این نظر استقلال آرای محاکم قضایی را از دخالت نیروهای مسلح حفظ کرده است.

یکی دیگر از مواردی که مرتبط با استقلال قوه قضاییه است بحث لوایح قضایی و آیین‌نامه‌های داخلی قوه قضاییه است. طبق نظر مکرر شورای نگهبان تهیه لایحه قضایی باید توسط قوه قضاییه صورت گیرد. هم‌چنین آیین‌نامه مربوط به امور قوه قضاییه نیز باید توسط رئیس این قوه تهیه شود، نه توسط قوه مجریه. شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ چنین اظهار می‌دارد که اطلاق واگذاری تهیه لایحه در مواردی که لایحه قضایی مربوط به امور ضابطین قضایی است به هیئت وزیران و سلب اختیار از رئیس قوه قضاییه مغایر بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی است. هم‌چنین اظهار می‌دارد که تصویب آیین‌نامه اجرایی مربوط به امور قضایی توسط هیئت وزیران مغایر با اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی است.^۴ بنابراین طبق این رویه شورای نگهبان، دولت نمی‌تواند با تصویب آیین‌نامه یا تنظیم لوایح قضایی در امور مسلم قوه قضاییه دخالت نماید.

قانون اساسی فرانسه اشاره به «قوه قضاییه» و استقلال ساختاری آن ندارد. تنها در اصل ۶۶^۵ به مقام قضایی اشاره نموده که نگهبان آزادی فردی است، که استقلالش به وسیله «رئیس‌جمهور» تضمین می‌گردد. طبق اصل ۶۴ قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور با همکاری شورای عالی قضایی استقلال قوه قضاییه را تضمین می‌نماید. لازم به ذکر است که طبق اصل ۶۵ قانون اساسی فرانسه رئیس شورای عالی قضایی، رئیس‌جمهور است. اما اخیراً با توجه به جایگاه نهاد قضایی در کشور فرانسه، رویه‌ی این کشور بر آن است که نفوذ رئیس‌جمهور را از شورای عالی قضایی کم نماید به همین علت اکنون قضات دادگاه‌ها نیمی از اعضای شورای عالی قضایی را تعیین می‌کنند و نیمی دیگر را رئیس‌جمهور تعیین می‌کند. لازم به ذکر است که شورای عالی قضایی فرانسه متشکل از

۹ نفر است.

برخلاف قانون اساسی ایران، قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور این کشور را مسئول تضمین قوه قضاییه معرفی کرده است و رئیس‌جمهور با همکاری شورای عالی قضایی که بالاترین رکن قضایی فرانسه است این استقلال را تضمین می‌نماید. «به نظر می‌رسد در نظام حقوقی فرانسه از آنجا که رئیس‌جمهور ضامن استقلال قوه قضاییه است از منظر اصل تفکیک قوا و لزوم استقلال قوه قضاییه قابل انتقاد باشد، اما این موضوع که منجر به شائبه نفوذ و دخالت رئیس‌جمهور در قوه قضاییه می‌شود با نظام نیمه‌ریاستی فرانسه سازگاری دارد.» (ویژه، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

هم‌چنین طبق اصل ۶۲ قانون اساسی فرانسه، تصمیمات شورای قانون اساسی فرانسه، قابل اعتراض نیستند و برای قوای حاکمه متصدیان اداری و قضایی لازم‌الرعايه می‌باشند. این تصمیمات مربوط به مخالفت قانون عادی با قانون اساسی فرانسه می‌باشد. پس به طور کلی می‌توان گفت ضامن استقلال قوه قضاییه در ایران «قانون اساسی» است که شورای نگهبان به‌عنوان مرجع صیانت از قانون اساسی آن را تضمین می‌نماید ولی در فرانسه رئیس‌جمهور با همکاری شورای عالی قضایی این استقلال را تضمین می‌نماید. با توجه به اینکه نظام حاکم بر ایران نظام نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی است، استقلال این قوه به خوبی در اصول ۵۷ و ۱۵۶ تضمین شده که با اصول استقلال قوا و دموکراتیک مطابقت دارد و در فرانسه نیز با توجه به نظام نیمه‌ریاستی این کشور، استقلال قوه قضاییه توسط رئیس‌جمهور تضمین شده است گرچه با اصول استقلال قوا و دموکراتیک مطابقت ندارد اما با نظام حاکم در فرانسه سازگار می‌باشد.

۴. مقایسه تطبیقی نهاد قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه

در این قسمت مسائلی چون تعیین بودجه نهاد قضایی، وزیر دادگستری و رسیدگی به شکایت از طرز کار نهاد قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تعیین بودجه نهاد قضایی

طبق اصل ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس تسلیم می‌گردد و هم‌چنین طبق اصل ۱۲۶، رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و ... را به طور مستقیم برعهده دارد.

مشخص می‌شود که در ایران بودجه کل کشور و تمام قوا توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و شورای نگهبان اصول ۵۲ و ۱۲۶ را تضمین می‌نماید. پس تعیین بودجه قوه قضاییه نیز توسط رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد که این مورد با استقلال قوه قضاییه مغایرت دارد. هم‌چنین رئیس‌جمهور از این طریق می‌تواند بر این قوه فشار مالی بیاورد تا بتواند خواسته سیاسی خود را اعمال نماید پس از این طریق امکان نفوذ و فشار دولت بر قوه قضاییه افزایش می‌یابد.

طبق اصل ۷۵ اگر نمایندگان بخواهند ارقام بودجه را کاهش یا افزایش دهند باید طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید را مشخص نمایند و معمولاً بودجه سالانه با تغییرات اندکی به تصویب می‌رسد که این خود نشان‌دهنده نقش پر رنگ قوه مجریه در تعیین بودجه کل کشور می‌باشد.

طبق ماده ۴۷ قانون اساسی فرانسه، پارلمان، لایحه قانون بودجه را به موجب مقررات پیش‌بینی شده به وسیله یک قانون خاص تصویب می‌کند.

منظور از قانون خاص قانون ارگانیک بودجه می‌باشد که فرآیند بودجه‌ریزی در کشور فرانسه را تبیین نموده و طبق این قانون وزیر دارایی پیش‌نویس بودجه را از طرف نخست‌وزیر آماده می‌کند و این پیش‌نویس به تصویب هیئت وزیران به ریاست رئیس‌جمهور می‌رسد و برای تصویب به مجلس ارائه می‌گردد (پرو، ۱۳۸۴: ۵۳).

طبق ماده ۴۰ قانون اساسی فرانسه پیشنهادات اعضای پارلمان که منجر به کاهش درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی شود قابل طرح نیست. البته لازم به ذکر است که مجلس،

در کشور فرانسه اختیارات بیشتری در تغییر بودجه سالانه کشور پیدا کرده است. به طور کلی در کشور فرانسه بودجه قوه قضاییه توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد و برای تصویب به مجلس ارائه می‌شود. پس فرانسه نیز در تعیین بودجه قوه قضاییه همانند ایران است ولی همان‌طور که قبلاً بیان شد این مورد نیز با نظام نیمه‌ریاستی حاکم بر فرانسه سازگار می‌باشد.

به نظر می‌رسد در ایران و فرانسه، بودجه قوه قضاییه توسط قوه مجریه تعیین و توسط مجلس به تصویب می‌رسد که با استقلال قوه قضاییه در تضاد است. همان‌طور که قبلاً هم بیان شد نظام حاکم بر فرانسه نیمه‌ریاستی است پس تعیین بودجه قوه قضاییه توسط رئیس‌جمهور نیز با این نظام سازگار است اما تعیین بودجه قوه قضاییه توسط رئیس‌جمهور در ایران با نظام نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی حاکم بر آن سازگار نمی‌باشد.

۲-۴. وزیر دادگستری

در ایران طبق اصل ۱۶۰ وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه را برعهده دارد و با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و با حکم رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و همانند سایر وزرا باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. وزیر دادگستری اصلاً نمی‌تواند در مسائل قضایی دخالت کند مگر آنکه خود رئیس قوه قضاییه اموری را به او بسپارد.

در فرانسه طبق ماده ۶۵ وزیر دادگستری سمت معاونت حقوقی شورای عالی قضایی را برعهده دارد و حتی در مواردی قضات نشسته را با همکاری شورای عالی قضایی منصوب می‌نماید.

لازم به ذکر است در نظام حقوقی فرانسه، به طور کلی دو دسته قاضی داریم که اصطلاحاً معروف به قضات نشسته و ایستاده هستند. قضات دادگاه‌ها را قضات نشسته می‌گویند چراکه در هنگام رسیدگی و صدور رأی بر مسند قضا نشسته‌اند و معمولاً نقل و انتقال آن‌ها به سختی انجام می‌شود؛ اما قضات ایستاده به قضات دادرها گفته می‌شوند چراکه در هنگام دادرسی، ایستاده‌اند؛ از جمله دادستان و بازپرس و دادیار که معمولاً وابسته به قوه مجریه هستند (مهرپور محمدآبادی، ۱۳۸۹: ۳۹).

به طور کلی در این زمینه قانون اساسی ایران راه نفوذ قوه مجریه بر قوه قضاییه را بسته است ولی در فرانسه چنین تضمینی وجود ندارد.

شورای نگهبان در پاسخ به سؤال شورای عالی قضایی در سال ۱۳۵۹ مبنی بر اینکه آیا مسئولیت اداره سازمان ثبت و اسناد و املاک، اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور

مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی و نظایر این‌ها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است یا اینکه با شورای عالی قضایی که مستقل از قوه مجریه است می‌باشد و هم‌چنین در تفسیر اصل ۱۶۰ قانون اساسی چنین بیان نموده که: «وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضاییه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می‌باشد».^۶

رویه‌ی شورای نگهبان طبق این تفسیر آن است که اولاً امور تشکیلات دادگستری را باید از امور تشکیلات اجرایی قوه مجریه جدا نمود؛ ثانیاً تمام امور تشکیلات دادگستری زیر نظر شورای عالی قضایی (رئیس قوه قضاییه کنونی) انجام می‌شود و وزیر دادگستری در این مورد صلاحیت اختیاری ندارد؛ ثالثاً وزیر دادگستری مسئول رابطه بین قوه قضاییه و سایر قوا می‌باشد و علاوه بر آن در قبال وظایف مشترک با هیئت وزیران نیز، مسئولیت جداگانه‌ای دارد.

هم‌چنین شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲ اصل ۸۸ قانون اساسی در خصوص سؤال نمایندگان از وزرا را با توجه به اصول ۱۶۰ (وزیر دادگستری)، ۹۰ (شکایت از طرز کار قوا) و ۷۶ (تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی) در پاسخ به سؤال رئیس مجلس شورای اسلامی، چنین تفسیر می‌نماید: «در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون اساسی مطرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی برای او مقرر شده است مسئول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضاییه، وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود؛ ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضاییه به‌موجب اصل ۹۰ قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می‌تواند تحقیق و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و اقدامی که مجلس شورای اسلامی باید در صورتی که پاسخ را قانع‌کننده ندانست، انجام دهد، می‌تواند قانون لازم را تصویب نماید.

علاوه بر این چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید در امور قضایی نیز می‌تواند هرگونه نظری را که لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید».^۷

مجدداً شورای نگهبان در تفسیر این اصل بیان داشته است که وزیر دادگستری در رابطه

با مسئولیت‌های قوه قضاییه، مسئولیتی ندارد. اما بحث شکایت از طرز کار قوه قضاییه و تحقیق و تفحص از این قوه بحثی جدا از وظایف وزیر دادگستری است.

هم‌چنین شورای نگهبان در سال ۱۳۷۸ در پاسخ به سؤال رئیس قوه قضاییه مبنی بر اینکه آیا ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری توسط وزیر دادگستری مربوط به قوه قضاییه است یا قوه مجریه، این‌چنین اصل ۱۶۰ را تفسیر می‌نماید: «آنچه مربوط به وظایف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی است مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضاییه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضاییه تأمین شود. اما آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایفی است که هیئت دولت به‌عهده وی واگذار کرده مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد.»

در مجموع می‌توان گفت که شورای نگهبان از افزایش اختیارات وزیر دادگستری از حیثه قانون اساسی جلوگیری می‌کند و برای وظایف وزارتی و قضایی وزیر دادگستری تفکیک قائل شده است، به طوری که تمام امور مرتبط با قوه قضاییه باید با دستور و هماهنگی رئیس قوه قضاییه باشد و امور مربوط به قوه مجریه نیز باید هماهنگ با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران باشد. ایرادی که شورای نگهبان در «طرح دو فوریتی نحوه اجرای قسمتی از اصل ۱۶۰ قانون اساسی» اعلام کرده است، نشان از آن دارد که وزیر دادگستری نمی‌تواند حتی در دفاع و اظهارنظر نسبت به طرح‌ها و لوایح مربوط به قوه قضاییه، نظرات شخصی خود را بیان کند بلکه باید نظر رئیس قوه قضاییه را منعکس نماید در غیر این صورت مغایر اصل ۱۶۰ قانون اساسی است.

۴-۳. رسیدگی به شکایات قوه قضاییه

طبق اصل ۹۰ قانون اساسی ایران، هرکسی شکایتی از طرز کار قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را به صورت کتبی به مجلس عرضه نماید و مجلس آن را رسیدگی و از قوه قضاییه پاسخ می‌خواهد. لازم به ذکر است این مورد در قانون اساسی فرانسه پیش‌بینی نشده است.

در ماده ۱ آیین‌نامه داخلی کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی از وظایف و اختیارات قانونی کمیسیون چنین آمده است که: «رسیدگی به طرز کار مجلس، قوه مجریه، قوه قضاییه و مسئولین آن‌ها و نیز رسیدگی به شکایات مربوطه و مطالبه پاسخ آن‌ها از قوای مذکور؛ اعلام نتیجه رسیدگی‌ها و مطلع کردن عامه مردم در مواردی که موضوع مربوط به عموم باشد؛ بررسی گزارش‌های قرائت شده کمیسیون‌های تخصصی از تریبون مجلس

حسب تقاضای آن‌ها و اعلام نتیجه آن به مجلس؛ مکاتبه و مراجعه به قوای سه‌گانه، وزارتخانه‌ها، ادارات، سازمان‌های وابسته به آن‌ها، بنیادها، نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط باشند؛ اعلام عدم پاسخگویی مسئولین به کمیسیون، یا عدم پاسخ صحیح آن‌ها، یا عدم اجابت دعوت‌های کمیسیون، به مراجع صالحه قضایی جهت اعمال مجازات‌های قانونی و ...» مشخص است که مجلس در این زمینه از اختیارات وسیعی برخوردار است و می‌تواند از طریق پیگیری‌های قانونی به شکایات مطروحه رسیدگی نماید. نکته‌ای که طبق این آیین‌نامه مشخص می‌شود این است که ضمانت اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی رسیدگی قضایی است. یعنی اگر مسئولین قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌های اجرایی به مطالبات کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی پاسخ ندهند، این کمیسیون می‌تواند آن مسئول خاطی را به مراجع صالحه قضایی معرفی نماید. پس می‌توان گفت که کار این کمیسیون با استقلال قوه قضاییه در تضاد نیست چراکه ضمانت اجرای آن معرفی افراد به مراجع صالحه قضایی می‌باشد و این امر یک امر درون قوه‌ای می‌شود که نمی‌توان از این طریق به قوه قضاییه فشارهای سیاسی وارد کرد. شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۷/۷/۲۱ چنین اظهار می‌دارد که تحقیق و تفحص در امر قضا مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. هم‌چنین شورا در نظر بعدی خود اظهار می‌کند که تحقیق و تفحص در پرونده‌های غیرجریانی چون دخالت در امور قضایی و اخلال در امر قضا را نیز شامل می‌شود، فلذا از این جهت مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی است.^۸ بنابراین شورای نگهبان تحقیق و تفحص در امر قضا را دخالت در امور قضایی می‌داند و آن را مغایر استقلال قوه قضاییه مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی شمرده است.

۵. استقلال در تصمیم‌گیری قضایی (استقلال فردی قضات)

منظور از استقلال فردی قضات این است که قضات به‌عنوان پناهگاه‌های قانونی شهروندان در برابر انواع فشار، تجاوز و ظلم و ستم، از موقعیتی مستحکم برخوردار و هنگام اتخاذ تصمیم و صدور حکم، از تبعیت از هر کس غیر از قانون، آزاد و بدون واهمه و به دور از جانب‌داری اصحاب دعوی باشند و هیچ عامل خارجی اعم از فشار افکار عمومی، فشار سیاسی یا اقتصادی، تأثیر منافع فردی، حزبی و صنفی، عواطف و احساسات و باورهای شخصی، هویت یا موقعیت طرفین پرونده و غیره نتواند بر حکم آنان تأثیر بگذارد و قانون را به روش عادلانه و بی‌طرفانه اعمال و تنها بر اساس واقعیات

موجود در پرونده و قانون اتخاذ تصمیم کنند. از منظر شخصی، شخص قاضی باید از چنان شخصیتی برخوردار باشد که بتوان هم به صلاحیت علمی وی اعتماد کرد و هم به صلابت شخصیت و تأثیرناپذیری وی از نفوذ افراد و اشخاص دیگر امیدوار بود. استقلال قضایی در این معنا به رفتار قضات باز می‌گردد که در شرایط یکسان، بسته به توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از این استقلال به طور متفاوت نمود می‌یابد و در واقع از این منظر، استقلال بیشتر جنبه شخصی داشته و قضات در اوضاع و احوال مشابه، به میزان متفاوتی از آن بهره‌مندند (آقایی طوق، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

قضات هنگام اتخاذ تصمیم باید از تبعیت هرکس، آزاد و بدون ترس و به دور از جانبداری اصحاب دعوا باشند و هیچ عاملی، اعم از فشار افکار عمومی، فشار مقامات سیاسی، تأثیر منافع فردی و حزبی، عواطف شخصی و غیره نتواند بر حکم آنان تأثیر گذارد و تنها باید از قانون پیروی نمایند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷) و حکم خود را بر اساس قانون و ادله موجود در پرونده صادر نمایند؛ به عبارت دیگر باید قانون را عادلانه اعمال کرده و تنها بر اساس واقعیات پرونده تصمیم بگیرند. برای تأمین استقلال قضات طی دوران خدمت قضایی دو نوع مصونیت منظور شده است:

الف) مصونیت شغلی است که در اصل ۱۶۴ قانون اساسی به آن توجه شده است، این اصل اشعار می‌دارد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد»

ب) مصونیت از تعقیب کیفری: دارندگان پایه‌ی قضایی را نمی‌توان بدون اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات و قبل از سلب مصونیت قضایی، تحت تعقیب کیفری قرار داد که به منظور حفظ شئون قضایی و ارج نهادن به مقام قضا است. این روش برای صیانت استقلال قضات و تأمین آزادی آنان در تصمیم‌گیری‌های قضایی کمال ضرورت را دارد (آخوندی، ۱۳۷۷: ۳۴).

۵-۱. استخدام قضات در قانون اساسی ایران و فرانسه

طبق بند ۳ اصل ۱۵۸، یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه استخدام قضات عادل و شایسته می‌باشد و هم‌چنین طبق اصل ۱۶۳، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

طبق این دو اصل رئیس قوه قضاییه، قضات را تعیین می‌نماید البته باید در نظر داشت که در این راستا سازوکار خاصی وجود دارد بدین صورت که اداره گزینش و استخدام قوه قضاییه قضات را بر اساس قانون نحوه تعیین قضات دادگستری گزینش می‌نماید و به رئیس قوه قضاییه معرفی می‌کند.

در ماده ۶۵ قانون اساسی فرانسه آمده که شورای عالی قضایی برای انتصاب قضات نشسته و ریاست دادگاه استیناف به دیوان عالی کشور پیشنهاد می‌نماید و هم‌چنین انتصاب قضات نشسته سایر دادگاه‌ها بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری و به موجب قانون خاص توسط شورا انجام می‌گیرد.

لازم به ذکر است از آنجا که در فرانسه دادرسی جزء قوه مجریه محسوب می‌شود پس قضات آن‌ها که به قضات ایستاده معروف هستند توسط دولت تعیین می‌شوند، ولی در ایران قضات دادرسی نیز توسط رئیس قوه قضاییه انتخاب می‌شوند؛ زیرا دادرسی نیز جزو قوه قضاییه محسوب می‌شود.

به طور کلی انتخاب قضات در هر دو کشور ایران و فرانسه، طی یک روند اداری در داخل قوه قضاییه صورت می‌پذیرد و تنها در کشور فرانسه قضات دادگاه‌ها، به جز دادگاه استیناف، با پیشنهاد وزیر دادگستری و با حکم شورای عالی قضایی انتخاب می‌شود که به نظر می‌رسد به اصل استقلال قوا خدشه وارد می‌شود. پس به نظر می‌رسد در زمینه انتخاب قضات، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استقلال این قوه را بهتر تضمین نموده است.

۵-۲. عزل، انتقال و تغییر قضات

شرط استقلال را می‌توان کلاً به عنوان قاعده‌ای تعریف کرد که در آن عدم ارتباط بین قاضی و اشخاص دیگری که به موجب قانون یا با عرف اداری، دارای اختیاراتی باشند که بتوانند در برخی تصمیمات وی تزلزل بوجود آورند، تصریح شده باشد. به علاوه باید تضمیناتی به منظور انجام مستقل وظایف دادگاه وجود داشته باشد و این تضمینات، علی‌الخصوص به شرایط انتصاب و عزل قضات مربوط می‌شود. در این زمینه، دادگاه

اروپایی حقوق بشر هرگز این ایده را تأیید نکرده است که صرف انتخاب شخصی به مقام قضایی توسط دولت‌های سیاسی می‌تواند استقلال آن شخص را در انجام وظایف قضایی خود به خطر بیندازد مشروط بر آنکه این مقامات نتوانند قاضی را به میل خود یا بر اساس مبانی ناصحیح اخراج کنند؛ بنابراین مهم است که در هر مورد تعیین شود که آیا شرایط انتصاب، طول خدمت و شرایط حاکم بر ترفیع، انتقال و توقف و وظایف که باید همه در رابطه با ساختار کلی قوه قضاییه در نظر گرفته شود، به شخص امکان می‌دهد که در اجرای وظایف خود آزادانه و بدون واهمه در مورد دعوایی تصمیم بگیرد یا خیر؟! به علاوه حتی باید از عدم استقلال ظاهری هم اجتناب کرد، زیرا این امر شدیداً بر حس اعتمادی که دادگاه‌ها باید در یک جامعه دموکراتیک ایجاد کند، تأثیر می‌گذارد (قربانی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

در قانون اساسی ایران طبق بند ۳ اصل ۱۵۸، یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه عزل قضات می‌باشد و همچنین طبق اصل ۱۶۴، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضایت او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد؛ مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل.

رئیس قوه قضاییه در سال ۱۳۶۹ از شورای نگهبان تفسیر اصل ۱۶۴ قانون اساسی را جویا می‌شود و در خصوص اینکه آیا عبارت «مگر به اقتضای مصلحت جامعه» مربوط به صدر اصل ۱۶۴ است یا ناظر به جمله دوم این اصل می‌باشد، سؤال کرد و شورای نگهبان در تفسیر اصل ۱۶۴ قانون اساسی چنین می‌گوید: «استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی (مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت (یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد) می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد.»

مشخص می‌شود که رویه‌ی شورای نگهبان این است که استثنای مذکور در اصل ۱۶۴ قانون اساسی محدود به محل خدمت و سمت قضات می‌باشد و ربطی به انفصال دائم یا موقت قضات ندارد؛ بدین معنا که رئیس قوه قضاییه که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه محسوب می‌شود نیز نمی‌تواند قضات را بدون محاکمه و ثبوت جرم به صورت دائم یا موقت از خدمت منفصل نماید.

در اصل ۶۴ قانون اساسی فرانسه آمده است که قضات نشسته غیرقابل تغییر می‌باشند.

گرچه انتصاب این قضات توسط دیوان عالی این کشور انجام می‌شود اما بعد از انتخاب شدنشان دیگر قابل تغییر نیستند و به نظر می‌رسد این امر استقلال این قضات را خیلی زیاد تضمین می‌نماید.

در قانون اساسی ایران قضات قابل عزل نیستند مگر مرتکب جرم یا تخلفی شوند که محکوم به انفصال از خدمت شوند که رسیدگی به جرایم قضات در دادگاه انتظامی قضات صورت می‌پذیرد. در قانون اساسی فرانسه در ماده ۶۴ آمده که قضات نشسته غیرقابل تغییرند که این غیرقابل تغییر بدین معنا است که دولت و شورای عالی قضایی و حتی دیوان عالی نیز نمی‌تواند قاضی را عزل، تعلیق، تغییر یا جابجا و حتی او را پیش از موعد بازنشسته نماید و تنها می‌توان به جرایم آن‌ها در شورای عالی قضایی رسیدگی نمود.

پس قانون اساسی ایران و فرانسه یک نوع مصونیت شغلی برای قضات در نظر گرفته‌اند تا آن‌ها بدون ترس از اخراج یا عزل بتوانند حکم خود را بر اساس قانون و ادله صادر نمایند و هیچ تأثیرپذیری از مقامات داخل قوه قضاییه و سایرین نداشته باشند. هم‌چنین در هر دو کشور بیان شده که قضات در صورت ارتکاب جرم باید مورد پیگیری و رسیدگی قرار گیرند و در صورت ثبوت جرم مجازات‌هایی از قبیل انفصال موقت و دائم برای آن‌ها تعیین شده است.

در مورد تغییر و انتقال قضات، در اصل ۱۶۴ قانون اساسی تأکید شده که محل خدمت یا سمت قضات را نمی‌توان بدون رضایتشان تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه که با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل صورت می‌گیرد. از آنجایی که مصادیق مصلحت در قوانین ذکر نشده است و راه برای توسعه مفهوم مصلحت و احیاناً سوءبرداشت از این مفهوم گشوده است، به نظر می‌رسد استقلال قاضی با خطر مواجه می‌شود. اما با توجه به اینکه این تصمیم از طریق سه فقیه و مجتهد صورت می‌پذیرد، امکان اشتباه و خطای آن و به تبع آن خطر مخدوش شدن استقلال قاضی، تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند.

هم‌چنین در انتهای اصل ۱۶۴ آمده که نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد و از آنجا که این نقل و انتقالات در قانون مشخص شده است و در برخی موارد بنا به درخواست خود قضات می‌باشد، لطمه‌ای به استقلال قاضی نمی‌زند.

طبق ماده ۶۴ قانون اساسی فرانسه قضات نشسته به هیچ عنوان قابل تغییر و انتقال نمی‌باشند ولی قضات ایستاده قابل تغییر و انتقال هستند. در نتیجه استقلال قاضی در

خصوص عزل، تغییر و انتقال در کشور فرانسه از تضمین بیشتری برخوردار است؛ گرچه در حقوق ایران نیز این استقلال به خوبی تضمین شده است.

۳-۵. سلسله مراتب قضایی

کسانی که از لحاظ سلسله مراتب اداری بالاتر از قاضی قرار دارند، به عبارتی منصوب‌کنندگان قاضی، اگر مقامات قضایی یا دولتی باشند، به‌علت آنکه قاضی خود را به نوعی وامدار شغل خود و انتصابش به این شغل را مدیون آن‌ها می‌داند، نسبت به تأثیرات آن‌ها در پرونده‌ها تأثیرگذار بوده و در واقع قاضی محصور در مجموعه‌ای از انتظارات است که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر او تحمیل می‌شود؛ و استقلال قضایی به مخاطره می‌افتد. بدین خاطر بی‌شک بهترین روش استخدام قضات از طریق مقامات ذیصلاح و به‌وسیله آزمون است تا مقامات منصوب‌کننده نتوانند نظر خود را به قاضی تحمیل نمایند؛ و هم‌چنین قاضی به علت ترس و هراس مقامات بالاتر از نظر آنان متابعت نموده و اقدام به صدور رأی نماید (قضایی، ۱۳۹۳: ۷۰).

اعمال نفوذ و وارد کردن فشار از درون قوه قضاییه، یکی از مواردی است که می‌تواند استقلال قاضی را مخدوش نماید. برخورداری دادگاه‌ها از رتبه‌بندی قضایی متفاوت ممکن است باعث پذیرش نوعی سلسله مراتب قضایی شود که این امکان را فراهم می‌کند تا یک قاضی در دادگاه بالاتر تلاش نماید تا بر قاضی دیگر در دادگاه پایین‌تر اعمال نفوذ نماید (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۲۷).

این مسأله با فرآیند تجدیدنظر و فرجام‌خواهی آرا در دادگاه‌های بالاتر و هم‌چنین تبعیت تمام دادگاه‌ها از آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور کاملاً متفاوت است و این موارد برای تضمین بیشتر حقوق شهروندی در مقابل اشتباه قضات صورت می‌پذیرد.

لازم به ذکر است که در حقوق ایران تنها رئیس قوه قضاییه (در درون قوه قضاییه) می‌تواند از طریق بخشنامه‌هایی بر آرای محاکم تأثیر بگذارد که به نظر می‌رسد با استقلال قضات در تضاد باشد.

از آنجا که در ایران طبق اصل ۱۶۴، استقلال قضات در خصوص عدم عزل و انتقال و تغییر تضمین شده است پس سلسله مراتب قضایی نمی‌تواند در تصمیمات قضات تأثیری بگذارد و هم‌چنین در فرانسه نیز طبق ماده ۶۴ استقلال قضات نشسته کاملاً تضمین شده و سلسله مراتب قضایی تأثیری بر آرای محاکم قضایی ندارد ولی در مورد قضات ایستاده هیچ تضمینی وجود ندارد زیرا قضات ایستاده که در دادسرا می‌باشند مأمور و کارمند قوه مجریه محسوب می‌شوند.

نتیجه گیری

به طور کلی استقلال قضایی به عنوان شرط اساسی حمایت از آزادی های فردی و تساوی افراد در برابر قانون، از اصول مهم و بنیادین نظام قضایی است. در قرآن کریم در برخی آیات به استقلال قضایی اشاره شده که بیانگر اهمیت دادن به این اصل حیاتی است. استقلال قضایی به دو بخش استقلال سازمانی و استقلال فردی قضات در تصمیم گیری تقسیم می شود.

به نظر می رسد استقلال قضایی در هر دو کشور ایران و فرانسه به صورت نسبی تضمین شده است که در برخی موارد با اصل استقلال قوا در تضاد است. به عنوان مثال در ایران استقلال قوه قضاییه توسط خود قانون اساسی تضمین شده است اما در فرانسه رئیس جمهور استقلال این قوه را تضمین می نماید؛ لذا باید در نظر داشت که از آن جهت که نظام حاکم بر کشور فرانسه، نظام نیمه ریاستی است تضمین استقلال قوه قضاییه توسط رئیس جمهور گرچه با اصول دموکراتیک و استقلال قوا در تضاد است، اما با نظام حاکم در این کشور سازگار می باشد. هم چنین در مورد تعیین بودجه، در هر دو کشور بودجه توسط رئیس جمهور تعیین می شود اما در کشور فرانسه به خاطر اینکه دستگاه های نظارتی بیشتری در بررسی بودجه وجود دارد، تضمین بیشتری وجود دارد. هم چنین در این زمینه مجلس ملی در فرانسه از اختیاراتی بیشتری نسبت به مجلس شورای اسلامی در ایران برخوردار است.

در مورد استقلال فردی قضات نیز هر دو کشور آن را تضمین نموده اند ولی کشور فرانسه تضمینات بیشتری را در نظر گرفته است؛ مثلاً در ایران می توان قضات را بنا به اقتضای مصلحت جامعه عزل یا انتقال داد اما در کشور فرانسه قضات نشسته غیرقابل عزل و انتقال و تغییر هستند.

پس به نظر می رسد استقلال قضایی سازمانی طبق اصول استقلال قوا و دموکراتیک در ایران بیشتر از کشور فرانسه تضمین شده است اما استقلال فردی قضات در کشور فرانسه بیشتر تضمین شده است گرچه در ایران نیز استقلال فردی قضات نیز به خوبی تضمین شده است.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۶۴ قانون اساسی فرانسه: «رئیس‌جمهور با همکاری شورای عالی قضایی استقلال قوه قضاییه را تضمین می‌نماید. تشکیلات قضایی به موجبات قانون خاص معین می‌گردد. قضات نشسته غیرقابل تغییر می‌باشند.»
۲. «عدالت عبارت از ملکه راسخه‌ای است که باعث ملازمت تقوی در ترک محرمات و انجام واجبات می‌گردد.» (خمینی، ۱۳۶۶: ۱۱).
۳. نظر شماره ۹۳/۱۰/۳۲۸۴، مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱
۴. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱، مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳
۵. اصل ۶۶ قانون اساسی فرانسه: «هیچ‌کس را نمی‌توان بدون دلیل توقیف نمود. قوه قضاییه که حافظ آزادی افراد می‌باشد به موجب قانون مسئول اجرای این اصل می‌باشد»
۶. تفسیر شماره ۷۷۲۷، مورخ ۱۳۵۹/۹/۶
۷. شماره ۴۵۳۶ ق تاریخ ۱۳۶۲/۴/۹
۸. نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۸۹۴۹، مورخ ۱۳۸۷/۸/۹ و نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۵۳۵، مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۰

۳۰

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال پنجم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب

- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۱ هـ ق)، *وسایل الشیعه*، مکتب الاسلامیه.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۶)، *تحریر الوسیله*، مکتبه اعتماد الکاظمی، تهران، جلد ۱.
- پرو، روژه (۱۳۸۴)، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین، غلامحسین کوشکی، انتشارات سلسبیل.
- عمید، حسن (۱۳۸۶)، *فرهنگ عمید*، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۵.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نشر میزان، جلد دوم، چاپ ۲۱.

مقالات

- آخوندی، محمد (۱۳۷۷)، «استقلال قضات در نظام حقوقی ایران»، *مجله اصلاح و تربیت*، دوره قدیم، شماره ۵۰، ص ۳۳-۳۴.
- آقای طوق، مسلم (۱۳۸۶)، «مبانی نظارت قضایی بر اعمال دولت؛ بررسی تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس، فرانسه و آمریکا»، *پژوهشنامه معاونت حقوقی و بررسیهای فقهی مرکز تحقیقات استراتژیک*، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۹۱.
- امیری، آبتین (۱۳۹۲)، «اهمیت قضاوت و استقلال قضات در حقوق اسلامی»، *فصلنامه تخصصی حبل المتین*، دوره دوم، شماره سوم و چهارم، ص ۹۳-۱۰۷.

- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۸۹)، «استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی»، **مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۲۳-۵۲.
- فلاح، محمد جواد (۱۳۸۶)، «عدالت اجتماعی از نگاه آیات و روایات»، **فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۵۳-۲۸۲.
- قربانی، علی (۱۳۸۴)، «بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه»، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران.
- قضایی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل معیارهای مطلوب در رفتارهای قضات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طه، فریده و اشرفی، لیلا (۱۳۹۰)، «دادرسی عادلانه»، **بنیاد حقوقی میزان**، تهران
- مهرپور، حسین (۱۳۹۰) «نظام بین‌المللی حقوق بشر»، انتشارات اطلاعات، تهران
- مهرپور محمدآبادی، حسین (۱۳۸۹)، «برخورداری قضات ایستاده از استقلال موضوع اصل ۱۶۴ قانون اساسی»، **مجله حقوق - قضاوت**، شماره ۶۷، صص ۳۹-۴۳.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۵)، «نگرشی تحلیلی بر عملکرد شورای قانون اساسی فرانسه»، **مجله حقوقی عدالت آراء**، شماره ۴ و ۵، صص ۱۴۶-۱۷۱.